

# پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های

## دل‌بستگی زنان شهر کرمانشاه

فرشته امینی<sup>۱</sup>، مختار عارفی<sup>۲</sup>

۱. گروه روان‌شناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. گروه روان‌شناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول).

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره چهارم، شماره سی و سوم، تیرماه ۱۳۹۸، صفحات ۲۳-۱

### چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی زنان شهر کرمانشاه است. پژوهش توصیفی، از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان دارای تعارض زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۷ تشکیل می‌دهد. نمونه موردنظر در پژوهش حاضر مطابق با جدول مورگان ۱۲۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از مراکز مشاوره زندگی، روان یاران، هاتف و حامی انتخاب شدند و با کسب رضایت از آن دسته از زنانی که حاضر به همکاری در پژوهش بودند به پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزندپروری، ویژگی‌های شخصیتی مک کری و کاستا، سبک‌های دل‌بستگی کولینز و رید و تعارضات زناشویی پاسخ دادند. نتایج به دست آمده با استفاده از رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که مؤلفه‌های شیوه‌های فرزندپروری، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی توانایی پیش‌بینی تعارضات زناشویی را دارند. همچنین مؤلفه‌های شیوه‌های فرزندپروری، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی با مؤلفه‌های تعارضات زناشویی رابطه‌ی معنادار دارند. با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان گفت که شیوه‌های فرزندپروری، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی از مؤلفه‌های مؤثر و مرتبط با تعارضات زناشویی هستند که این نکته می‌تواند در مراکز مشاوره خانواده موردتوجه قرار گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** شیوه‌های فرزندپروری، ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دل‌بستگی، تعارضات زناشویی، زنان.

## مقدمه

خانواده یکی از رکن های اصلی جامعه و کوچک ترین جزء اجتماع است که ستون های اصلی آن را زن و شوهر تشکیل می دهند و ازدواج را می توان یکی از مراحل سه گانه ی زندگی (تولد، ازدواج و مرگ) به حساب آورد (باقیانی مقدم، ۱۳۹۰). مسئله ازدواج و زناشویی یکی از مهم ترین و اساسی ترین موضوعات مورد توجه جامعه بشری است و اولین تعهد عاطفی و حقوقی است که افراد در بزرگسالی قبول می کنند. در واقع ازدواج مهم ترین و بنیادی ترین رابطه ی انسانی است (اس پارک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲). با شروع ازدواج و ایجاد رابطه زناشویی، رضایت زناشویی به متغیری مهم در رابطه با کیفیت ازدواج بدل می شود. آنچه در ازدواج و یگانگی زن و مرد مهم است سازگاری زناشویی و عدم وجود تعارضات زناشویی می باشد. مهم ترین عامل پیش بینی کننده بهداشت روانی افراد متأهل، روابط با همسر است. همسر عنصر اصلی زندگی عاطفی و اجتماعی فرد است و نداشتن سازگاری زناشویی به توانایی زوجین برای برقراری روابط توأم با رضایت و خشنودی با فرزندان و همچنین سایر افراد خانواده آسیب می رساند. روابط مطلوب توأم با رضایت در درون خانواده به سازگاری مؤثر افراد در موقعیت گوناگون یاری می رساند و از طرف دیگر تعارضات زناشویی، زمینه آسیب روانی را فراهم می کند (گودرزی، ۱۳۹۴). بنابراین خانواده، سنگ بنای جامعه بزرگ انسانی است و در استحکام روابط اجتماعی و رشد تک تک افراد جامعه، نقش مهمی دارد. تلاش برای استحکام خانواده و سلامت آن، زمینه سلامت و سعادت عمومی را فراهم می سازد. چگونگی روابط و دادوستد عاطفی اعضای خانواده به ویژه زن و شوهر از مهم ترین شناسه های سلامت و موفقیت خانواده و یا ضعف و ناکارآمدی آن است. دستیابی به این هدف (استحکام خانواده)، نیازمند کوشش زن و شوهر و شناسایی عوامل تحکیم روابط و موانع آن است (نوری، ۱۳۸۹). تجارب خانوادگی تأثیر عمده ای بر تکامل فرد در طول زندگی و بعد از آن دارد و ارتباطات خانوادگی سایر جنبه های زندگی را نیز تحت تأثیر خود قرار می دهد (بایرن، کر و کلارک، ۲۰۱۴). در واقع تجارب خانوادگی در

---

<sup>۱</sup>- S.Park

کودکی و نوجوانی به درستی گویای مفهوم شیوه های فرزندپروری<sup>۱</sup> می باشد. عبارت شیوه های فرزندپروری به رفتارهای معینی از والدین اشاره دارد که به طور منفرد و در ارتباط با یکدیگر بر پیامدهای تحولی کودک اثر می گذارند و دربرگیرنده ی میزان پاسخگو بودن و مطالبه گر بودن والدین است (بروکه، ۲۰۰۵).

شواهد مختلف نشان می دهد که روابط افراد با والدین در دوران کودکی، کیفیت روابط صمیمی آنها در بزرگسالی را پیش بینی می کند. برای مثال، تجربه یا مشاهده خشونت و سوءاستفاده در خانه با پذیرش و استفاده بیشتر از پرخاشگری در روابط صمیمی بعدی رابطه دارد (دارلینگ، کوهن، برنز و تامپسون، ۲۰۰۹). نتایج پژوهش کیم، تالبوت و چیچتی (۲۰۰۹) نشان داد که تجربه سوءاستفاده در دوران کودکی با تعارضات بین شخصی در بزرگسالی رابطه دارد. تعامل های والدین با فرزندان را می توان در قالب نظریه های مربوط به فرزندپروری و سبک های آن تبیین کرد. سبک های فرزندپروری مجموعه ای از بازخوردهای والدین هستند که در ارتباط با فرزندان اعمال می شوند (دارلینگ و استینبرگ، ۱۹۹۳). این سبک ها، الگوهایی از فرزندپروری هستند که بر اساس اعمال معیارهای والدین نسبت به رفتارهای کودکان شکل می گیرند (کوپلن، هستینگز، لاگاس - سگین و مولتن، ۲۰۰۲). دو بعد مستقل شامل پاسخگو بودن<sup>۲</sup> و مطالبه گری<sup>۳</sup> برای فرزندپروری شناسایی شده است (بامریند<sup>۴</sup>، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱؛ مک کوبی و مارتین، ۱۹۸۳). بعد اول، یعنی پاسخگو بودن، به میزان پرورش والدین، مهربانی و ابراز احساسات آنها و تقویت مثبت عقاید و نظریات کودک اطلاق می شود. بعد دوم، یعنی مطالبه گری، به اعمال نظم، مهارگری و سطح مطالبات و انتظارات والدین اشاره دارد. از ترکیب این دو بعد، چهار سبک فرزندپروری به وجود می آید: سبک فرزندپروری مقتدرانه<sup>۵</sup> (پاسخگویی زیاد، مطالبه گری زیاد)، آمرانه یا

- 
- 1- parenting style
  - 2- responsiveness
  - 3- demandingness
  - 4- Baumrind
  - 5- authoritative

استبدادی<sup>۱</sup> (پاسخگویی کم، مطالبه گری زیاد)، سهل گیرانه<sup>۲</sup> (پاسخگویی زیاد، مطالبه گری کم) و مسامحه کارانه<sup>۳</sup> (پاسخگویی کم، مطالبه گری کم). نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عملکرد خانوادگی والدین با تعارضات زناشویی آینده فرزندان رابطه دارد. نتایج پژوهش شولمن و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد که رابطه مادر- دختر بر شایستگی روابط صمیمانه در دختران نوجوانشان تأثیر معنادار دارد. همچنین پژوهش جانسون و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد که مردان متأهل از خانواده‌هایی با عملکرد خانوادگی ضعیف به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به‌واسطه داشتن تعاملات منفی در بین زوجین، روابط زناشویی با موفقیت کمتری داشتند، درحالی‌که زنان متأهل از خانواده‌های با عملکرد خانوادگی ضعیف به دلیل مشکلات سلامت روانی و داشتن تعاملات منفی بین زوجین روابط زناشویی موفق کمتری داشتند. یافته‌های پژوهش شارف و مایسلس (۲۰۰۸) نشان داد که شاخص‌های مثبت رابطه با والدین با نشانه‌های مثبت روابط رمانتیک مرتبط بود. تحلیل داده‌های پژوهش اوربیک و همکاران (۲۰۰۷) نشان داد که ناسازگاری‌های اولیه در پیوند والد- کودک بر کیفیت رابطه همسران و ناسازگاری هیجانی در میانه عمر از طریق یک توالی رشدی خاص تأثیر می‌گذارد. سیفج- کرنک، اوربیک و ورمولست (۲۰۱۰) نشان دادند که روابط اولیه مادر- فرزند به‌صورت مشخص با تعلق و جذابیت جنسی تجربه‌شده در روابط رمانتیک بزرگسالان جوان رابطه دارد و روابط فاصله‌دار و سرد پدر- فرزند در طول نوجوانی با عشق اضطرابی بعدی فرزندان رابطه دارد. امینی نژاد و شاه نظری (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده و سبک‌های هویت به این نتیجه رسیدند رضایت زناشویی با سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه رابطه مثبت و معناداری دارد اما با سبک فرزندپروری استبدادی و بی‌توجه رابطه منفی و معنادار دارد. همچنین بشارت، هوشمند، رضازاده و لواسانی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان پیش‌بینی رضایت زناشویی فرزندان بر اساس سبک‌های فرزند پروری والدین به این

<sup>۱</sup>- authoritarian

<sup>۲</sup>- permissive

<sup>۳</sup>- neglectful

نتیجه دست یافتند که سبک‌های فرزند پروری مقتدرانه و سهل گیرانه پدر و مادر با رضایت زناشویی فرزندان رابطه مثبت معنادار و سبک فرزند پروری آمرانه پدر و مادر با رضایت زناشویی فرزندان رابطه منفی معنادار دارد. موسوی و جلالی (۱۳۹۳) در پژوهشی با هدف شناسایی رابطه‌ی بین شیوه‌های مختلف فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی و جوخانوادگی دو نسل والدین و فرزندان با نمونه‌ای به حجم ۲۲۰ نفر به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ی معناداری بین شیوه‌ی فرزند پروری، سبک‌های دلبستگی و جو خانوادگی دو نسل وجود دارد. در این پژوهش منظور از استحکام خانواده دو مؤلفه‌ی رضایت زناشویی و عدم تعارض زناشویی می‌باشد. عوامل مختلفی بر استحکام و دوام خانواده و بر تعارضات زناشویی تأثیر می‌گذارند که از جمله آن‌ها ویژگی‌های شخصیتی است. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، نگرش‌ها و رفتارهای هر فرد از طریق تقلید، نمونه‌گیری، مشاهده و تمرین یاد گرفته می‌شوند (سگرین، تیلور و آلتمان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). بوئن از طریق مفهوم فرایند انتقال بین نسلی بیان می‌کند که چگونه الگوهای ارتباطی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (گلدنبرگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸)؛ زیرا محیط خانواده اولین جایی است که کودک در آن رشد می‌یابد و والدین اولین کسانی هستند که می‌بینند و از رفتار آن‌ها تقلید و نمونه‌گیری می‌کند و به تبع آن رفتارها و نگرش‌ها را تمرین می‌کند. نگرش‌ها یکی از ابزارهایی هستند که انتقال آن‌ها از طریق فرایند بین نسلی اتفاق می‌افتد (ریچ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). صفات شخصیت اولین راهنمای تشخیص وضعیت شناختی و عاطفی افراد هستند و بر نقش‌های عاطفی-اجتماعی و رفتارهای بین فردی تأثیر می‌گذارند (موینی هان و پترسون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱). ویژگی‌های شخصیتی<sup>۵</sup>، عبارت است از پنج عامل: روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی، موافق بودن و باوجدان

---

<sup>1</sup>- Segrin, Taylor & Altman

<sup>2</sup>- Goldenberg

<sup>3</sup>- Risch

<sup>4</sup>- Moynihan, & Peterson

<sup>5</sup>- Personality characteristics

بودن (باگبی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۷). گستردگی این مفهوم تا آنجایی است که بسیاری از پدیده‌های اجتماعی و روانی را تحت تأثیر قرار داده است، به نحوی که امروزه آنچه که عامل بقا و استمرار جوامع و زندگی بشری؛ یعنی ازدواج، پیوند تنگاتنگی با مفهوم شخصیت و ویژگی‌های شخصیت دارد (پورافکاری، عنبری روزبهانی و حکیمی‌نیا، ۱۳۹۲). با بررسی این پنج عامل می‌توان تا حدودی تعارضات زناشویی فرد را پیش‌بینی کرد. می‌توان چنین استدلال کرد که افراد با داشتن ویژگی‌هایی مثل برون‌گرایی، گشودگی و باوجدان بودن، نگرش مثبت‌تری به مسائل زناشویی و ازدواج دارند (کاسیلاس و واتسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). پور افکاری و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه‌ی بین ویژگی‌های شخصیتی و نگرش به ازدواج در دانشجویان دختر دانشگاه به این نتیجه رسیدند که بین میزان درون‌گرایی، برون‌گرایی، سلطه‌پذیری، سن، پایگاه و عقاید مذهبی و نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد، ولی بین سلطه‌گری و نگرش به ازدواج تفاوت معناداری مشاهده نشده است.

یکی از مفاهیمی که از بطن خانواده شکل می‌گیرد، مفهوم دلبستگی<sup>۳</sup> است. سروف، ایگلند، کارلسون و کولینز<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) دلبستگی را این‌چنین تعریف می‌کنند: دلبستگی به‌طور کلی یعنی مامنی از آسایش، امنیت برای کاوش و جست‌وجو کردن و منبعی برای اطمینان بخشی به کودک، زمانی که دچار پریشانی می‌شود. طبق نظر بالبی<sup>۵</sup> (۱۹۶۹، ۱۹۷۳ و ۱۹۸۰؛ به نقل از گودوین<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳) روابط دلبستگی همیشه موجودند و در سراسر چرخه زندگی فعال هستند، به‌طوری‌که پیوندهای دلبستگی در زندگی بزرگ‌سالی نیز ایجاد می‌شوند و بر فعالیت‌های مهم این دوران مؤثرند. روان‌شناسان سبک‌های دلبستگی را به‌عنوان عوامل پایدار و چند نسلی

<sup>1</sup>- Bagbi

<sup>2</sup>- Casilas, & Watson

<sup>3</sup>- Attachment

<sup>4</sup>- Sroufe, Egeland, Carlson, & Collins

<sup>5</sup>- Bowlby

<sup>6</sup>- Goodwin

تلقی کرده و عنوان می کنند که چگونه خانواده‌ی مبدأ شخص، می تواند بر روابط زناشویی او تأثیر بگذارد (یونگ، کلاسکو و ویشار، ۲۰۰۳)؛ و نیز فرزندان تجربه رابطه‌ی خود و والدین را به عنوان مبنایی برای ایجاد صمیمیت در روابط به کار می برند (ریچ، ۲۰۰۴). عزیزی و بیرانوند (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان همبستگی سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی به این نتیجه دست یافت که رضایت زناشویی از طریق سبک‌های دلبستگی قابل تبیین است. مقامی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود نشان دادند که سبک‌های دلبستگی پیش‌بینی کننده سبک‌های حل تعارض زناشویی می‌باشند. بلداجی و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند که آزمودنی‌هایی که سبک دلبستگی ایمن بودند سطوح بالایی از رضایت در روابط را نشان دادند، همچنین نسبت به سبک‌های اجتنابی و دوسوگرا راهبردهای یکپارچه و مصالحه آمیزتری در حل تعارضات اتخاذ می‌کنند. کریمی، کریمی، و دهقان (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان رابطه سبک‌های دلبستگی و سبک‌های حل تعارض با فرسودگی زناشویی به این نتیجه رسیدند که سبک‌های دلبستگی در نحوه به‌کارگیری سبک‌های حل تعارض نقش دارند و استفاده از این سبک‌ها می‌تواند فرسودگی زناشویی را پیش‌بینی کنند. اشته (۱۳۹۳) در پژوهش خود با موضوع پیش‌بینی نگرش به ازدواج از طریق ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و جو خانوادگی به این نتیجه رسید که ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و جو خانوادگی از مؤلفه‌های مؤثر و مرتبط با نگرش به ازدواج هستند. اخوی ثمرین و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی و میزان بخشودگی میان زنان متقاضی طلاق و زنان عادی به این نتیجه رسیدند که بین سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن اضطرابی با میزان بخشودگی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. زارع و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی و بخشش با رضایت زناشویی به این نتیجه رسیدند که بین سبک‌های دلبستگی و بخشش با رضایت زناشویی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. بیرامی (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های تمایز یافتگی به این نتیجه رسید که روابط اولیه‌ی

<sup>1</sup>- Youmg, Klasko, & Wishaar

افراد در محیط خانواده به شکل گیری سبک دل‌بستگی خاص و سطوح بالا یا پایین تمایز یافتگی منجر می‌گردد و این تجارب اولیه بر روابط بین فردی زوجین در بزرگسالی تأثیر مستقیم می‌گذارد. چونگ و چویی<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) به بررسی سبک‌های دل‌بستگی در مادران کودکان پیش‌دبستانی و رابطه آن با رضایت زناشویی و سلامت در زنان کره جنوبی به این نتیجه رسیدند که بین سبک دل‌بستگی اضطرابی با رضایت زناشویی و سلامت زنان رابطه معناداری وجود دارد. کرایتون<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی با سلامت روان و میزان رضایت از زندگی در بین دانشجویان ایالت کارلسون، به این نتیجه رسید که با وجود این‌که بین سبک‌های دل‌بستگی و سلامت روان و میزان رضایت از زندگی همبستگی وجود دارد. با توجه به مطالب فوق و بررسی پیشینه‌های پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه تعارضات زناشویی، مسئله اساسی پژوهش حاضر این است که آیا شیوه‌های فرزندپروری، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی می‌تواند تعارضات زناشویی در زنان را پیش‌بینی کند؟

### روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است که با هدف پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی در زنان شهر کرمانشاه انجام شد. متغیرهای شیوه‌های فرزندپروری، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی به‌عنوان متغیرهای مستقل (پیش‌بین) و تعارضات زناشویی به‌عنوان متغیر وابسته (ملاک) است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان دارای تعارضات زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۸ تشکیل می‌دهد. نمونه موردنظر در پژوهش حاضر بر اساس ملاک ورود مطلقه نبودن، عدم سابقه بیماری روانی بارز و داوطلب بودن برای شرکت در پژوهش و ملاک خروج عدم رضایت و خستگی برای شرکت در پژوهش مطابق با جدول مورگان ۱۲۰ نفر به‌عنوان نمونه

<sup>۱</sup>- Chung & Choi

<sup>۲</sup>- Crayton



و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از مراکز مشاوره زندگی، روان یاران، هاتف و حامی انتخاب شدند و با کسب رضایت از آن دسته از زنانی که حاضر به همکاری در پژوهش بودند پرسشنامه شرح داده و اجرا شد. پس از تنظیم پرسشنامه‌ها و انتخاب آزمودنی‌ها، پرسشنامه‌ها در اختیار آزمودنی‌های پژوهش قرار گرفت. سپس توضیحات لازم از سوی پژوهشگر در مورد نحوه تکمیل پرسشنامه‌ها و دلیل انتخاب این موضوع به زنان ارائه شد. قبل از توزیع پرسشنامه‌ها از آزمودنی‌ها خواسته شد اگر در فرآیند پاسخگویی به سوالات با مشکلی مواجه شدند یا نقطه‌ی ابهامی برای آن‌ها به وجود آمد از پژوهشگر درخواست توضیح بیشتری داشته باشند. زنان موردنظر پس از اعلام رضایت جهت شرکت در پژوهش و دریافت تضمین لازم مبنی بر اینکه اطلاعات آن‌ها محرمانه باقی خواهد ماند، اقدام به تکمیل پرسشنامه‌ها نمودند. درنهایت پس از تکمیل پرسشنامه توسط شرکت‌کنندگان که به شکل انفرادی بود پرسشنامه‌های پژوهش جمع‌آوری گردید. پس از جمع‌آوری پرسشنامه تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS-21 انجام شد و علاوه بر استفاده از روش‌های آمار توصیفی و شاخص‌های آماری همچون میانگین و انحراف استاندارد، از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیره نیز استفاده شد.

#### ابزار

**مقیاس شیوه‌های فرزند پروری (بامریند):** پرسشنامه ۳۰ سؤالی شیوه‌های فرزند پروری (بامریند) که فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که توسط دیانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱)؛ ترجمه شده بورای<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش افتراقی استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل‌گیری و اقتدار منطقی دارد و شیوه سهل‌گیری رابطه معنی‌داری با شیوه اقتدارمنطقی او نداشت (مهرافرز، ۱۳۷۸). بورای (۱۹۹۱) برای محاسبه پایایی از روش باز آزمایی استفاده کرد و نتایج زیر را به دست آورد. ۰/۸۱ برای شیوه سهل‌گیرانه، ۰/۸۶ برای

<sup>۱</sup>- Bouray

شیوه استبدادی ۰/۷۸ برای شیوه اقتداری. او همچنین ثبات درونی را با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ محاسبه نمود که ۰/۷۵ برای شیوه سهل گیری ۰/۸۵ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۲ برای شیوه اقتدارمنطقی به دست آورد (مهرافرز، ۱۳۷۸). نتایج بدست آمده نشان داد که پرسشنامه مذکور دارای روایی اعتبار صوری است.

**پرسشنامه ی پنج عامل بزرگ شخصیت مک کری و کاستا (NEO):** این آزمون پنج مورد از ویژگی های شخصیتی افراد را موردسنجش قرار می دهد که این ویژگی ها عبارت اند از: روان نژندی (N)، برون گرایی (E)، انعطاف پذیری (O)، دلبذیری (A) و وظیفه شناسی (X). مک کری و کاستا (۲۰۰۴) در تحقیقی که برای تجدیدنظر در پرسشنامه بر روی ۱۴۹۲ نفر انجام دادند، ضریب همبستگی این آزمون را با آزمون نئو ۲۴۰ سؤالی برای پنج ویژگی شخصیتی روان نژندی، برون گرایی، انعطاف پذیری، دلبذیری و وظیفه شناسی به ترتیب آلفای کرونباخ ۰/۸۳، ۰/۸۳، ۰/۹۱، ۰/۷۶ و ۰/۸۶ گزارش کردند (فرنچوناتو، ۲۰۱۱). پایایی این آزمون با استفاده از روش بازآزمایی بر روی ۶۴ نفر از افراد نمونه به فاصله دو هفته برای پنج عامل ذکر شده، به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۴، ۰/۷۹، ۰/۸۰ و ۰/۸۲ به دست آمده است. آلفای کرونباخ پنج عامل به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۶۵، ۰/۵۹، ۰/۴۸ و ۰/۷۵ بوده است. در زمینه روایی همزمان این پرسشنامه، بین آن و پرسشنامه نشانگر ریخت مایرز بریگز، پرسشنامه ی شخصیتی مینه سوتا، پرسشنامه تجدیدنظر شده کالیفرنیا، بررسی مزاج گیلفورد و زاگرمین و مقیاس رگه بین فردی، رابطه بالایی مشاهده شده است. برای نمونه بریک و مانت (۱۹۹۳) در اجرای پرسشنامه پنج عاملی شخصیت روی ۲۰۵ دانشجوی، مشخص نمودند که عوامل آن با مقیاس های فرعی پرسشنامه ویژگی های شخصیتی فردی، همبستگی مثبت قابل ملاحظه ای دارد. علاوه بر این، بین نمرات مربوط به عوامل این پرسشنامه و ریخت های شغلی شخصیت هالند نیز همبستگی بالایی مشاهده شده است (مکری و هالند، ۱۹۸۴؛ به نقل از حق شناس، ۱۳۸۵).

**مقیاس سبک های دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید:** مقیاس دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید (۱۹۹۰) شامل خودارزیابی از مهارت های ایجاد روابط و خود توصیفی شیوه شکل دهی روابط دلبستگی، نسبت به نگاره های دلبستگی نزدیک است و مشتمل بر

۱۸ ماده هست که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) سنجیده می‌شود (به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۵). کولینز و رید (۱۹۹۰) بر پایه توصیف‌هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان هازان و شیور در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت، مواد پرسشنامه‌ی خود را تدارک دیده‌اند. زیر مقیاس اضطراب (A) با دلبستگی اضطرابی / دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن (X) مطابق با دلبستگی ایمن هست و زیر مقیاس وابستگی (D) با سبک دلبستگی اجتنابی مطابقت دارد (فینی و نولر، ۱۹۹۶). در ایران نیز میزان قابلیت اعتماد، با استفاده از روش آزمون-بازآزمون به صورت همبستگی بین دو اجرا بر روی نمونه‌ای با حجم ۱۰۰ نفر آزمودنی بررسی شد. نتایج حاصل از دو بار اجرای این پرسشنامه بافاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس‌های A، X، معنادار نبوده و این آزمون در سطح ۰/۹۵ قابل اعتماد است (پاکدامن، ۱۳۸۵).

**پرسشنامه تعارضات زناشویی:** در سال ۱۳۷۵ بر اساس تجارب بالینی در ایران ساخته شده است. این پرسشنامه ۴۲ سؤالی است و برای سنجش تعارضات‌های زن و شوهری استفاده می‌شود. این پرسشنامه هفت بعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که عبارت‌اند از: کاهش همکاری، رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان و جدا کردن امور مالی از یکدیگر. پاسخ به سؤالات بر اساس طیف لیکرت بوده که به صورت هیچ‌وقت، به ندرت، گاهی اوقات و همیشه هست و به صورت ۱ تا ۵ نمره‌گذاری می‌گردد. در این پژوهش نمره بیش‌تر به معنای تعارض بیش‌تر است. کسانی که نمره خام آن‌ها در دامنه ۷۰ تا ۱۱۴ قرار گیرد (معادل نمره استاندارد T بین ۴۰ تا ۶۰) دارای روابط زناشویی بهنجار هستند و کسانی که نمره خام آن‌ها در دامنه ۱۱۵ تا ۱۲۴ قرار گیرد (معادل نمره استاندارد T بین ۶۰ تا ۷۰) دارای تعارض بیش‌ازحد بهنجار و نمره خام ۲۳۵ و بالاتر (معادل نمره استاندارد T بالاتر از ۷۰) دارای تعارض شدید و یا روابط شدیداً آسیب‌پذیر هستند. حداکثر نمره پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل ۴۲ است. حداکثر نمره‌ی هر خرده مقیاس مساوی

با تعداد سؤال‌های آن خرده مقیاس‌ها ضرب در ۵ است. ضریب پایایی برای کل پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰/۵۳ و ۰/۸۰ و از طریق بازآزمایی ۰/۹۲ و برای ۷ خرده مقیاس آن از این‌قرار است: ۰/۷۳، ۰/۶۰، ۰/۷۴، ۰/۸۱، ۰/۶۵، ۰/۸۱ و ۰/۶۹ به دست آمده نمایانگر پایایی مناسب آن در جامعه ایرانی است و هم‌چنین ضریب پایایی در این پژوهش برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۷ و برای خرده مقیاس‌های آن به ترتیب ۰/۹۴، ۰/۹۱، ۰/۹۵، ۰/۸۷، ۰/۹۴، ۰/۶۳ و ۰/۶۸ شد که این پرسش‌نامه از روایی محتوایی خوبی برخوردار است.

#### یافته‌ها

همان‌طور که در جدول آمده است از ۱۲۰ نفر از آزمودنی شرکت‌کننده در پژوهش دامنه سنی آزمودنی‌ها از ۲۲ تا ۵۴ سال و میانگین سنی نمونه موردبررسی ۳۰/۷۲ سال بود.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها برحسب سن

متغیر	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد
سن	۱۲۰	۲۲	۵۴	۳۰/۷۲	۶/۲۸

برای بررسی رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی با تعارضات زناشویی زنان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین تعارضات زناشویی و خرده مقیاس شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی ضریب همبستگی ۰/۲۳- وجود دارد که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است؛ و از میان خرده مقیاس‌های ویژگی‌های شخصیتی، خرده مقیاس موافق بودن با تعارضات زناشویی دارای ضرایب همبستگی ۰/۱۵- است و این همبستگی در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است؛ اما خرده مقیاس‌های روان‌نژندی، برون‌گرایی، گشودگی و باوجدان بودن با تعارضات زناشویی رابطه معناداری ندارند. از میان خرده مقیاس‌های سبک‌های دلبستگی، خرده مقیاس‌های اضطراب و وابستگی به ترتیب با تعارضات زناشویی دارای ضرایب همبستگی

۰/۱۸، ۰/۱۹ است و این همبستگی‌ها در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار هستند؛ اما خرده مقیاس نزدیک بودن با تعارض زناشویی رابطه معناداری ندارد. نتایج تحلیل همبستگی و داده‌های توصیفی در جدول (۲) آمده است.

جدول شماره ۲. داده‌های توصیفی و همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	خرده مقیاس ها	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگی ن	انحراف استاندارد	همبستگی با تعارض زناشویی	سطح معناداری
شیوه‌های فرزندپروری	سهل گیرانه	۱۲۰	۵	۲۹	۲۴/۱۴	۳/۱۱	۰/۰۹	۰/۲
	استبدادی	۱۲۰	۶	۲۲	۱۹/۲۷	۲/۷۳	۰/۰۷	۰/۳
	اقتدار منطقی	۱۲۰	۱۶	۵۱	۳۱/۰۲	۳/۱۱	-۰/۲۳	۰/۰۰۱
ویژگی‌های شخصیتی	روان‌نژندی	۱۲۰	۱۵	۳۹	۲۹/۱۲	۴/۳۶	۰/۰۵	۰/۲
	برون‌گرایی	۱۲۰	۹	۴۱	۲۶/۳۵	۴/۷۷	-۰/۰۷	۰/۱
	گشودگی	۱۲۰	۱۷	۴۵	۲۲/۸۶	۵/۱۶	-۰/۰۶	۰/۶
	موافق بودن	۱۲۰	۱۴	۴۶	۲۶/۰۹	۳/۱۰	-۰/۱۵	۰/۰۰۱
	باوجدان بودن	۱۲۰	۱۴	۴۶	۲۶/۰۹	۳/۱۰	-۰/۰۳	۰/۴
سبک دلبستگی	اضطراب	۱۲۰	۶	۲۸	۱۴/۲۳	۲/۳۶	۰/۱۸	۰/۰۲
	وابستگی	۱۲۰	۵	۲۱	۱۸/۴۵	۲/۲۹	۰/۱۹	۰/۰۴
	نزدیک بودن	۱۲۰	۹	۲۲	۱۹/۰۲	۳/۳۷	۰/۰۹	۰/۸

برای پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس متغیرهای شیوه‌های فرزندپروری، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی از تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج نشان داد که  $F$  مشاهده شده معنادار است ( $F=3/57$ ) و متغیرهای پیش‌بین باهم  $0/23$  واریانس تعارضات زناشویی را تبیین می‌کنند. همبستگی چندگانه بین متغیرها نیز  $0/41$  ( $R=0/41$ ) به دست آمد. نتایج تحلیل رگرسیون در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. نتایج رگرسیون برای پیش‌بینی تعارضات زناشویی توسط شیوه‌های فرزندپروری، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی

Sig	R <sup>2</sup>	R	F	Ms	df	SS	منابع تغییر
				۲۴۵۶/۲۱	۱۸	۴۱۳۲۷/۰۹	رگرسیون
۰/۰۰۱	۰/۲۳	۰/۴۱	۳/۵۷	۸۷۴/۴۷	۳۰۸	۲۸۶۶۴۱/۱۲	باقی مانده
					۳۲۶	۳۳۸۵۸۵/۴۶	کل

ضرایب رگرسیونی متغیرهای پیش‌بین نشان می‌دهند که شیوه استبدادی،  $t=0/13, \beta=0/13$ ، شیوه اقتدار منطقی  $t=-2/8, \beta=-0/15$ ، موافق بودن،  $t=-1/9, \beta=-0/17$ ، اضطراب،  $t=2/3, \beta=0/12$ ، وابستگی،  $t=1/8, \beta=0/16$ ، می‌توانند تعارضات زناشویی را پیش‌بینی کنند. نتایج در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش بینی تعارضات زناشویی توسط شیوه های فرزندپروری، ویژگی های شخصیتی و سبک های دلبستگی

متغیرهای پیش بین	B	خطای استاندارد برآورد	$\beta$	t	سطح معناداری
استبدادی	۳/۶	۲/۲	۰/۱۳	۰/۳	۰/۰۳
اقتدار منطقی	-۴/۲	۱/۸	-۰/۱۵	-۲/۸	۰/۰۲
موافق بودن	-۴/۷	۱/۲	-۰/۱۷	-۱/۹	۰/۰۰۱
اضطراب	۳/۲	۱/۰۹	۰/۱۲	۲/۳	۰/۰۳
وابستگی	۲/۱	۰/۸۸	۰/۱۶	۱/۸	۰/۰۰۵

#### بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری، ویژگی های شخصیتی و سبک های دلبستگی با تعارضات زناشویی زنان شهر کرمانشاه است. نتایج تحلیل داده ها نشان داد شیوه های فرزندپروری، ویژگی های شخصیتی و سبک های دلبستگی می توانند تعارضات زناشویی را پیش بینی کنند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می دهد که متغیرهای موافق بودن، شیوه اقتدار منطقی، اضطراب و وابستگی می توانند تعارضات زناشویی را پیش بینی کنند. این یافته ها با نتایج پژوهش های عزیزی و بیرانوند (۱۳۹۶)، امینی نژاد و شاه نظری (۱۳۹۵)، بشارت و همکاران (۱۳۹۴)، بلداجی و همکاران (۱۳۹۳)، مقامی و همکاران (۱۳۹۳)، موسوی و جلالی (۱۳۹۳)، کریمی و همکاران (۱۳۹۳)، اشته (۱۳۹۳)، اخوی ثمرین و همکاران (۱۳۹۲)، پور افکاری (۱۳۹۲)، زارع و همکاران (۱۳۹۲)، بیرامی (۱۳۹۱)، جانسون و همکاران (۲۰۱۵)، چونگ و چویی (۲۰۱۴) و کرایتون (۲۰۱۰) همخوانی دارد. با توجه به اینکه شیوه های فرزندپروری، ویژگی های شخصیتی و سبک های دلبستگی توان پیش بینی تعارضات زناشویی را دارند، متخصصان روانشناسی خانواده غالباً معیار خود را در بررسی کیفیت روابط زناشویی زوجین، میزان تعارضات زناشویی آن ها قرار می دهند. عدم تعارضات

زناشویی یکی از عوامل پیشرفت و دستیابی به اهداف زندگی است که تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی است. افزایش طلاق در دنیای کنونی و نارضایتی زوجین از زندگی مشترک و تأثیرات سوء این‌گونه پدیده‌ها بر افراد خانواده و اجتماع بیانگر این مدعاست که برخورد مقبولی با تشکیل خانواده و ازدواج نشده و کمتر بادید عالمانه به این پدیده نگریسته شده است. عوامل گوناگونی به‌عنوان مؤلفه های مؤثر میزان تعارضات زناشویی شناسایی شده‌اند. برخی از این عوامل عبارت‌اند از: سن ازدواج، مدت زمان ازدواج، فرزندان، تناسب تحصیلی، مسائل مالی، مسائل جنسی، اقوام و آشنایان، ویژگی های شخصیتی، شیوه‌های فرزندپروری، توانایی درک همسر، سبک‌های دلبستگی کودکی و مهارت‌های ارتباطی.

تحلیل داده‌ها نشان داد که از میان مؤلفه های شیوه‌های فرزندپروری، مؤلفه شیوه استبدادی به شکل مثبت و اقتدار منطقی به شکل منفی قادر به پیش‌بینی تعارضات زناشویی هستند. در تبیین این یافته می‌توان چنین عنوان کرد که خانواده‌های با شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی، بیشتر از بقیه خانواده‌ها فرزندان خود را به استقلال و پیشرفت تشویق می‌کنند. از سوی دیگر، خانواده‌ها در تعارض و تضاد کمتری نسبت به دیگر خانواده‌ها به سر می‌برند و همین امر موجب نگرش مثبت فرزندان این خانواده‌ها به مسائل زناشویی شده است (آماتو، ۲۰۰۸).

همچنین تحلیل داده‌ها نشان داد که از میان مؤلفه های ویژگی‌های شخصیتی، مؤلفه موافق بودن به شکل منفی قادر به پیش‌بینی تعارضات زناشویی است؛ یعنی هرچه شخص سطح بالاتری از موافق بودن و سلطه‌پذیری را از خود نشان دهد، به همان میزان تعارضات زناشویی بیشتری دارد. این نتایج را می‌توان چنین تحلیل کرد که افراد با ویژگی موافق بودن، سطح بالایی از تبعیت را از خود نشان می‌دهند و همواره در تلاش‌اند به‌نوعی موافق جمع رفتار کنند. هرچند زندگی زناشویی و تشکیل خانواده را باید عملی دانست که به خواست، تمایلات و دیدگاه‌های فردی افراد مربوط می‌شود، اما زندگی اجتماعی انسان و روابط پیچیده او با محیط و اجتماع، زندگی زناشویی و فرایند آن را تحت تأثیر روابطی دوسویه با متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی قرار داده است



(ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰). از سویی افرادی که خصلت موافق بودن و تبعیت دارند، بیش از بقیه تحت تأثیر تفکرات بقیه قرار بگیرند و به نوعی تابع جمع شوند. می توان چنین عنوان کرد که افراد با ویژگی موافق بودن بیشتر از بقیه مستعد پذیرش نظرات اطرافیان هستند که از جمله این عقاید، بروز تعارضات زناشویی است. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از میان مؤلفه های سبک های دل‌بستگی، مؤلفه اضطراب و وابستگی به شکل مثبتی قادر به پیش‌بینی تعارضات زناشویی هستند؛ یعنی اشخاص دارای سبک دل‌بستگی اضطراب و وابستگی، به همان میزان از تعارضات زناشویی بیشتری رنج می‌برند. از محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که این پژوهش تنها بر روی زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه اجرا شد. همچنین پژوهش حاضر منحصراً در شهر کرمانشاه انجام گرفته است بنابراین پیشنهاد می‌شود این پژوهش بر روی مردان نیز انجام شود و در صورتی که نتایج یکسانی به دست آید، از نتایج آن استفاده بیشتری به عمل آید و در راستای استفاده بهینه از نتایج پژوهش‌های حاضر، روان شناسان و مشاوران در جریان این نتایج قرار گیرند؛ همچنین پیشنهاد می‌شود که این پژوهش در شهرها و استان‌های دیگر و با فرهنگ‌های مختلف نیز انجام شود تا بتوان از این طریق قابلیت تعمیم نتایج را افزایش داد. از طرف دیگر، پیشنهاد می‌شود مراکز مشاوره و وان شناختی، کارگاه‌ها و سمینارهایی در زمینه تعارضات و مشکلات زناشویی برگزار کرد تا زوجین بتوانند با بهره‌گیری از آن‌ها، نگرشی مناسب و منطقی به زندگی زناشویی پیدا کنند.

## منابع

- امینی نژاد، مینا و شاه نظری، مهدی (۱۳۹۵). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده و سبک‌های هویت. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۷(۲): ۴۲-۳۱.
- اخوی ثمرین، زهرا؛ نوابی نژاد، شکوه، ثنایی ذاکر، باقر؛ اکبری، مهدی (۱۳۹۲). سبک های دلبستگی و میزان بخشودگی میان زنان متقاضی طلاق و زنان عادی، مجله مطالعات زنان، ۱۱(۲)، ۵۵-۸۲.
- اشته (۱۳۹۳). پیش‌بینی نگرش به ازدواج از طریق ویژگی‌های شخصیتی، سبک های دلبستگی و جو خانوادگی در دانشجویان مجرد دانشگاه رازی کرمانشاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه.
- باقیانی مقدم، محمدحسین (۱۳۹۰). بررسی نگرش جوانان در شرف ازدواج در رابطه با شناخت همسر آینده و زندگی مشترک در شهرستان بروجن. مجله تحقیقات نظام سلامت، ۷(۶)، ۷۰۱-۶۹۳.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۹۴). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی، مجله اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱(۳)، ۱۴۲-۱۳۱.
- بیرامی، منصور؛ فهیمی، صمد؛ اکبری، ابراهیم؛ امیری پیچاکالایی، احمد (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک های دلبستگی و مؤلفه های تمایز یافتگی، اصول بهداشت روانی، ۱۴(۱)، ۷۷-۶۴.
- پورافکاری، نصراله؛ عنبری روزبهانی، مهدخت، حکیمی نیا؛ بهزاد (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و نگرش به ازدواج؛ مطالعه موردی دانشجویان دختر ۲۵-۱۸ ساله دانشگاه اصفهان، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، روده‌ن، ۷(۲)، ۹۸-۷۳.
- پاکدامن، شهلا (۱۳۸۵). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوانان، مجله علوم روان-شناختی، ۹(۲)، ۲۵-۳.

- حق شناس، حسین (۱۳۸۵). طرح پنج عاملی ویژگی های شخصیت: راهنمای تفسیر و هنجارهای آزمون های NEO-FFI، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز، چاپ اول.
  - زارع، حسین؛ غباری بناب، باقر؛ شمس نطنزی، علیرضا؛ صادق خانی، اسدالله (۱۳۹۲)، رابطه بین سبک های دلبستگی و بخشش با رضایت زناشویی زوج ها، فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، ۳(۱)، ۲۲-۴۳.
  - عزیزی، امیر و بیرانوند، حدیث (۱۳۹۶). همبستگی سبک های دلبستگی با رضایت زناشویی در پرستاران زن شاغل، نشریه پژوهش توان بخشی در پرستاری، ۴(۲): ۸-۱۴.
  - کریمی، پروانه؛ کرمی، جهانگیر و دهقان، فاطمه (۱۳۹۳). رابطه سبک های دلبستگی و سبک های حل تعارض با فرسودگی زناشویی کارکنان متأهل. فصلنامه زن و جامعه. ۵(۴): ۵۳-۷۰.
  - موسوی، میر محمدباقر؛ جلالی، محمدرضا (۱۳۹۳). رابطه بین شیوه های فرزندپروری، سبک های دلبستگی و جو خانوادگی دو نسل والدین و فرزندان. فصلنامه خانواده پژوهی، ۱۰(۳۷)، ۷۹-۹۷.
  - منتظری، علی؛ گشتاسبی، آریتا و وحدانی نیا، مریم (۱۳۸۴). ترجمه، اعتبار فرم فارسی ابزار استاندارد SF-36؛ ۵(۱): ۴۹-۵۶.
  - نوری، انورالسادات (۱۳۸۹). عوامل تضعیف استحکام خانواده، فصلنامه ای در عرصه ی مطالعات زنان و خانواده، سال سوم، شماره ششم.
- Bowlby, J.A. (1969). Attachment and Loss: Vol. 1, Attachment. NY: Basic Books.
  - Bowlby, J.A. (1973). Attachment and Loss: Separation. NY: Basic Books.
  - Bowlby, J.A. (1980). Attachment and Loss: Sadness and depression. NY: Basic Books.
  - Baumrind, D. (1989). Rearing competent children. In w. Damon (ed.) child development today and tomorrow (pp.349-378). San Francisco: Jossey Bass.

- Baumrind, D. (1991). Rejoinder to lewiss reinterpretation of parental firm control effects: are authoritative families really harmonious, *psychological bulletin*, 94, 132-142.
- Baumrind, D. (1973). Current patterns of parental authority. *Developmental psychology monographs*, 4, (1),1-103
- Bagby, R.M., Vachon, D.D., Bulmash, E.L., Toneatto, T., Quilty, L.C., Costa, P. (2007). Pathological gambling and five factor model of personality. *Personality and Individual Differences*, 43, 17, 873-80.
- Barrick, M. R. (1993). The Big five personality dimensions and job performance: A meta-analysis. *Journal of Personality Psychology*, 44, 1-26.
- Byren, M., Carr, A., Clark, M. (2014). The efficacy of behavioral couples therapy and emotionally focused therapy for couple Clinical Child and Family. *Psychology Review*, 6, 129-146.
- Bruke, M. (2005). Familial influence on self-efficacy, Exploring the relationship between perceived parenting style.Current social support and self-efficacy in a sample of non-traditional college students. Dissertation presented in partial fulfillment of the requirement for the degree. Doctor of philosophy.Faculty of psychology. Capella university.
- Crayton, W. L. (2010). Attachment Style in College Students. Family Origins and Mental Health Correlates Annual Review of Undergraduate Research, School of Humanities and Social Sciences, School of Languages, Cultures, and World Affairs, *College of Charleston*. 9, 204-26.
- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (2004). Normal personality assessment in clinical practice: The NEO personality inventory, psychological assessment. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 7, 5-13.

- Coplan, R. J., Hastings, P. D., Lagace-Seguin, D. G., & Moulton, C. E. (2002). Authoritative and authoritarian mothers' parenting goals, attributions, and emotions across different childrearing contexts. *Parenting: Science and Practice*, 2, 1-26.
- Coolins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment working models and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 644-663.
- Chung, K., Choi, E. (2014). Attachment styles and mothers' well-being among mothers of preschool children in Korea: The mediating role of marital satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 69, 135-139.
- Darling, N., Cohan, C., Burns, A., & Thompson, L. (2008). Within family conflict behaviors as predictors of conflict in adolescent romantic relations. *Journal of Adolescence*, 31, 671-690.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style in context: an integrative model. *Journal of Psychological Bulletin*, 113, 487-496.
- Goldenberg, H., Goldenberg, I. (2008). *Family Therapy: An Overview*. 7th ed. Los Angeles: Thomas Brooks/Cole. P. 344-345.
- Johnson, M. D., Nguyen, L., Anderson, J. R., Liu, W., & Vennun, A. (2015). Pathways to romantic relationship success among Chinese young adult couples: Contributions of family dysfunction, mental health problems, and negative couple interaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 3, 5-23.
- Kima, J., Talbot, N.L., & Cicchetti, D. (2009). Childhood abuse and current interpersonal conflict: The role of shame. *Journal of Child Abuse & Neglect*, 33, 362-371.
- Moynihan, L. M. & Peterson, R. S. (2001). A contingent Configuration approach to understanding the role of personality in organizational groups. *Research in Organizational Psychology*, 23, 327-328.

- Overbeek, G., Stattin, H., Vermulst, A., Thao, H., & Engels, R. C. M. E. (2007). Parent-Child Relationships, Partner Relationships, and Emotional Adjustment: A Birth-to-Maturity Prospective Study. *Developmental Psychology*, 43, 429-437.
- Risch, SC, (2004). Role of the father-adolescent relationship in shaping adolescent s attitude toward divorce. *Journal of Marriage and Family*, 66(1), 46-58.
- S.Park, S. (2012). "THE DEVELOPMENT OF THE MARITAL ATTITUDES AND EXPECATIONS SCALE". THESIS. Department of Psychology, Colorado State University, Colorado.
- Seiffge Krenke, I., Overbeek, G., & Vermulst, A. (2010). Parent-child relationship trajectories during adolescence: Longitudinal associations with romantic outcomes in emerging adulthood. *Journal of Adolescence*, 33, 159-171.
- Scharf, M., & Maysel, O. (2008). Partner: the distinct late adolescent girls` relationships with parents and romantic role of mothers and fathers. *Journal of Adolescence*, 31, 837-855.
- Shulman, S., Zlotnik, A., Shachar Shapira, L., Connolly, J., & Bohr, Y. (2012). Adolescent daughters` romantic competence: The role of divorce, quality of parenting, and maternal romantic history. *Journal of youth and adolescence*, 41, 593-606.
- Sroufe, L. A., Egeland, B., Carlson, E., & Collins, W. A. (2005). *Placing early attachment experiences in developmental context*. In K. E. Grossmann, K. Grossmann, & E. Waters (Eds.), *Attachment from infancy to adulthood: The major longitudinal studies* (pp. 48-70). New York: Guilford Publications.
- Segrin, C., Taylor, M. E., & Altman, J. (2005). Social cognitive mediators and relational outcomes associated with parental divorce. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22, 361-377.

## Prediction of marital conflicts based on parenting styles, personality traits and attachment styles in Kermanshah women

### Abstract

The purpose of this study was to predict marital conflicts based on parenting styles, personality traits and attachment styles in Kermanshah women. Descriptive research is a correlation type. The statistical population of this study consists of all marital conflicts women referring to counseling centers in Kermanshah in 1398-1397. The sample in this study, according to the Morgan table, was selected by 120 cluster sampling from life counseling centers, psychoanalysts, Hatef and Hami, and with satisfaction from those women willing to cooperate in the study, questionnaires Parenting styles, McCary and Costa's personality traits, Collins and Reid attachment styles, and marital conflicts. The results of regression and Pearson correlation coefficient showed that the components of parenting styles, personality traits and attachment styles can predict marital conflicts. Also, the components of parenting styles, personality traits and attachment styles have a significant relationship with marital conflict components. According to the findings of this study, it can be said that parenting, personality traits and attachment styles are effective components related to marital conflict, which can be considered in family counseling centers.

**Key words:** parenting styles, personality traits, attachment styles, marital conflicts, women